

پناهیان: دین می‌تواند محل سوءاستفاده‌های فراوان قرار گیرد/ قدرت دین دروغین بود که توانست امام حسین(ع) را به شهادت برساند/ با شناخت نقاط آسیب‌زای دین، می‌توان جلوی سوءاستفاده را گرفت

استاد پناهیان با بیان اینکه «دین همان‌طور که برکات فراوانی دارد، به همان اندازه می‌تواند آسیب‌هایی داشته باشد»، گفت: آیا دین پیش‌بینی نمی‌کرد که امکان دارد افراد دیندار دچار یک‌سری عوارض منفی شوند؟ چرا، دین کاملاً پیش‌بینی می‌کند. دین حتی توصیه‌های پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از این آسیب‌ها هم مطرح می‌کند. باید بدانیم آسیب‌های معنویت و دین چه چیزهایی هستند و ریشه‌های این آسیب‌ها در کجای دین قرار دارد؟ خود دین، در چه مواردی به آدم‌ها میدان می‌دهد که بتوانند از آن سوء استفاده کنند؟ باید این نقاط را بشناسیم و به مردم هم بشناسانیم، تا جلوی سوء استفاده از دین گرفته شود.

در ادامه بخش‌هایی از دومین روز سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان در [مسجد دانشگاه تهران](#) با موضوع «[حرکت جهان به سوی معنویت و آسیب‌های آن](#)» را به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی می‌خوانید:

انسان دیندار و جامعه دینی، در معرض آسیب هستند/ دین همان‌طور که برای نجات از ظلم قدرت ایجاد می‌کند، می‌تواند برای ظلم کردن هم قدرت ایجاد کند

ما نمی‌توانیم درباره دین و دینداری و جامعه ایمانی، به صورت تبلیغاتی سخن بگوییم. مثلاً نمی‌توانیم بگوییم: «همین که کسی دیندار شد، یا همین که یک جامعه‌ای دینی شد یا حاکمیت دینی پیدا کرد، دیگر همه مشکلاتش حل خواهد شد و هیچ آسیب و آفتی متوجه او نیست.» هم جان یک انسان دیندار و هم جامعه دینداران، هر دو (بعد از دیندار شدن) در معرض آفت و آسیب قرار دارند.

دین می‌تواند محل سوءاستفاده‌های فراوان قرار گیرد. دین همان‌طور که می‌تواند برای یک ملت، قدرت ایجاد کند و آنها را از ظلم نجات دهد، می‌تواند قدرتی ایجاد کند که با آن بتوان ظلم کرد. نمی‌شود دین برای نجات از ظلم، قدرت ایجاد کند، ولی نتواند برای ظلم کردن قدرت ایجاد کند. البته مسلماً این سوءاستفاده از دین است که موجب می‌شود با آن بتوان ظلم کرد، ولی به هر حال در طول تاریخ، از دین برای ظلم کردن هم بسیار استفاده شده است. یعنی دین قابلیت ظلم فراوان دارد؛ البته در صورتی که از آن سوء استفاده شود.

امروز در منطقه، قوی‌ترین نیروهای چریکی را با کمک دین تحریف‌شده درست کرده‌اند

امروز آن قدر دین و معنویت قوی شده است که دیگر کسی نمی‌تواند بگوید این سخنان ما درباره آسیب‌های معنویت تضعیف‌کننده دین و جامعه دینی است.

الان اگر به اوضاع منطقه نگاه کنید، قوی‌ترین نیروهای چریکی را با کمک دین(البته با دین تحریف‌شده) درست کرده‌اند. قبلاً نمی‌توانستند با کمک پول، یا با کمک گرایش‌های ناسیونالیستی عربی، یا با هر وسیله دیگری چنین نیروهای فداکاری تربیت کنند؛

نیروهایی که شهادت‌طلبانه، به وسیله قدرت دین در خدمت اهداف مستکبران عالم قرار گرفته‌اند. این یک تجربه عینی در مقابل ماست که نشان می‌دهد چگونه می‌شود از قدرت دین سوء استفاده کرد.

دین همان‌طور که برکات فراوانی دارد، به همان اندازه می‌تواند آسیب‌هایی داشته باشد / خیلی‌ها که شایستگی حضور در فضای سیاسی جامعه ما را ندارند، با سوء استفاده از دین فرصت جولان یافته‌اند

در جامعه خودمان هم همین‌طور است. آن قدری که در جامعه خودمان-حتی پس از انقلاب- از فرصت‌های داده شده توسط دین، سوء استفاده انجام گرفته است، از وسیله دیگری در جامعه ما سوء استفاده نشده است. در همین جامعه ما خیلی‌ها هستند که حتی شایسته دو روز حرف زدن و نفس کشیدن در فضای سیاسی جامعه را ندارند ولی دین به آنها این فرصت را داده است و آنها هم کاملاً از این فرصت، سوء استفاده کرده‌اند.

دین همان‌طور که برکاتی دارد، به همان اندازه می‌تواند آسیب‌هایی نیز داشته باشد. اگر ما یک جامعه دینی نداشتیم یا یک حاکمیت دینی نداشتیم، بعضی‌ها برای اینکه بتوانند در عرصه سیاسی جامعه ما فرصت جولان پیدا کنند، باید پول‌ها و باندهای مخوفی پشت سرشان قرار می‌داشت. ولی متأسفانه بعضی‌ها در همین جامعه ما هستند که صدقه سر حیا و نجابت دینی و بزرگواری اولیاء دین، فرصت پیدا کرده‌اند که جولان بدهند و کسی هم آبروی آنها را نمی‌برد. این از آسیب‌های جامعه دینی است.

به خاطر آسیب‌ها نباید از دین عقب‌نشینی کرد، باید از این آسیب‌ها عبور کرد

گفتگوی ما در این جلسات این است که به خاطر به وجود آمدن آسیب‌هایی که برای یک انسان دیندار یا یک جامعه دینی پیش می‌آید، نباید از دین عقب‌نشینی کنیم. بلکه باید آسیب‌ها را با صدای بلند بیان کنیم و از این آسیب‌ها عبور کنیم و از صدمات ناشی از این آسیب‌ها پیش‌گیری کنیم.

این آسیب‌ها انواع و اقسامی دارند. یکی از این آسیب‌ها نفاق است. یکی دیگر از این آسیب‌ها امکان سوء استفاده در عرصه قدرت است. یکی دیگر از این آسیب‌ها، انواع بدعت‌هاست.

«تظاهر به دین» بر خیلی‌ها لباسی از ارزش و احترام پوشانده است

بعضی‌ها که می‌خواهند بی‌دینی کنند، به اسم دین بی‌دینی می‌کنند و بدعت می‌گذارند. مثل همین کاری که تکفیری‌ها انجام می‌دهند. به اسم دین، جهاد نکاح راه انداخته‌اند و دختران مردم را اغفال می‌کنند. یا به اسم دین، تجاوز می‌کنند و برای ظلم‌های فاحشی که انجام می‌دهند، اجر و پاداش اخروی هم در نظر می‌گیرند! آنها به جای اینکه بگویند: «ما آدم‌های فاسد و هرزه‌ای هستیم» با سوء استفاده از دین، فساد خودشان را تقویت می‌کنند. پس با دین حتی می‌شود فساد را هم تقویت کرد.

از دین می‌شود در قدرت هم سوء استفاده کرد. از دین می‌شود در تظاهر به ارزش‌ها هم سوء استفاده کرد. خیلی‌ها هستند که اگر جامعه ما ارزشی نبود، شاید اصلاً کسی به آنها نگاه نمی‌کرد. این تظاهر به دین است که به خیلی‌ها لباسی از ارزش و احترام پوشانده است.

کجاهای دین موجب آسیب و سوء استفاده می‌شود؟/ برخی توصیه‌های دین، به افراد فاسد فرصت سوء

استفاده می‌دهد

- باید بدانیم کجاهای دین موجب آسیب می‌شود؟ آیا دین پیش‌بینی نمی‌کند که امکان دارد افراد دیندار دچار یکسری عوارض منفی شوند؟ چرا، دین کاملاً پیش‌بینی می‌کند. دین حتی توصیه‌های پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از این آسیب‌ها هم مطرح می‌کند.

کجاهای دین آسیب‌ها و فسادهایی که امکان دارد در جامعه دینی پدید بیاید را پیش‌بینی کرده است؟ مثلاً آن‌جایی که می‌فرماید: غیبت حرام است، آبروی گنهکار را نریز، عیب رفیقت را به خود بند، خوبی خودت را به رفیقت بند.

توصیه‌های دینی و اخلاقی فراوانی وجود دارد که موجب می‌شوند برخی افراد، به راحتی بتوانند سوء استفاده کنند و دچار آسیب شوند. انگار دین دارد به فساد این افراد میدان می‌دهد! مثلاً اگر چهل نفر علیه برادر دینی‌ات شهادت دادند و به شما گفتند که او سخن بدی علیه شما گفته است، اگر خودش آمد و به شما گفت: نه، چنین چیزی نگفته‌ام، اسلام می‌گوید: سخن او را بپذیر و حرف آن چهل نفر را کنار بگذار. (امام صادق(ع): إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَحِيكَ شَيْءٌ وَ شَهِدَ أَرْبَعُونَ أَنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ، فَأَقْبَلْ مِنْهُ وَ قَالَ: ع: إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَحِيكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَمْ أَقُلْهُ فَأَقْبَلْ مِنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ؛ مصادقة الاخوان شيخ صدوق(۸۲/))

اینها جزء نقاط آسیب‌زای دین است. باید این نقاط را ببینیم و به خاطر همین نقاط به عظمت دین اعتراف کنیم. چون این توصیه‌های ارزشمند نشان می‌دهد که اسلام چقدر برای انسان‌ها احترام قایل است. ما اگر این نقاط آسیب‌زای دین را دقیق نگاه می‌کردیم و به آن می‌پرداختیم، شمارهای سطحی مثل دفاع از آزادی و حقوق بشر که غربی‌ها از آن دم می‌زنند، طرفدار پیدا نمی‌کرد، چون این توصیه‌های دینی ما خیلی عمیق‌تر از آن سخنان به جان انسان‌ها می‌نشیند.

با شناخت نقاط آسیب‌زای دین، می‌توان جلوی سوء استفاده را گرفت

- ما در این گفتگوی خودمان می‌خواهیم ببینیم که آسیب‌های معنویت و دین چه چیزهایی هستند و ریشه‌های این آسیب‌ها در کجای دین قرار دارد؟ بالاخره افراد بد که از هر چیزی سوء استفاده می‌کنند، همیشه وجود دارند. اینها اگر داخل دین هم بیایند، ممکن است از دین هم سوء استفاده کنند. ولی باید دید که خود دین، در چه مواردی به آدم‌ها میدان می‌دهد که بتوانند از آن سوء استفاده کنند؟ باید این نقاط را بشناسیم و به مردم هم بشناسانیم، تا جلوی سوء استفاده از دین گرفته شود.
- اساساً جاهایی که باید جلوی سوء استفاده از دین و معنویت گرفته شود عبارتند از ۱- در جان خودمان ۲- در جامعه اسلامی خودمان ۳- در جهان اسلام ۴- در جهان بشریت.

- این سؤال مطرح است که آیا با وجود این همه آقامنشی و بزرگواری دین - فرصت‌هایی که به گنهکاران داده است - می‌شود جلوی سوء استفاده از دین را گرفت؟ بله با حفظ همین آقامنشی و بزرگواری دین هم می‌تواند جلوی سوء استفاده‌ها را گرفت. و الا شما فکر می‌کنید چرا ظهور حضرت این‌همه به تأخیر افتاده است؟ چون حضرت با حفظ همه این آقامنشی‌ها و بزرگواری‌هایی که در دین هست، قرار است حکومت کند.

• امام زمان(ع) قرار نیست تغییری در دین ایجاد کند تا بشود جلوی سوء استفاده از دین را گرفت. مثلاً قرار نیست غیبت کردن را حلال کند و اجازه ریختن آبروی گنهکاران را بدهد، تا هر کسی که گناهی مرتکب شد، او را لو بدهند و آبرویش را بریزند! یا مثلاً قرار نیست برای رسوا کردن منافقین، دستگاه‌های خاصی جلوی درب مساجد بگذارند که وقتی منافقین خواستند رد شوند، بوق بزند و آنها را رسوا کند!

• وقتی شما نقاط آسیب‌زای دین و نقاط آسیب‌پذیر جامعه دینی را بیان کردید و به مردم معرفی کردید، و توانستید جلوی این آسیب‌ها را بگیرید، آن‌وقت است که حکومت حقه جهانی برقرار خواهد شد.

برخورد بزرگوارانه پیامبر(ص) با منافق مشهور مدینه، نمونه‌ای از آقامنشی دین

• یک نمونه از آقامنشی و بزرگواری دین را در نحوه برخورد بزرگوارانه پیامبر(ص) نسبت به عبدالله بن ابی می‌توان دید: «عبدالله بن ابی» کسی بود که شیعه و سنی او را به عنوان منافق مدینه می‌شناسند و شأن نزول سوره منافقین درباره اوست. (پس از ماجرای که در مسیر جنگ تبوک رخ داد، این آیات درباره او نازل شد «...يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَهَا الْأَذْلَ» منافقون(۸) و برای همه معلوم شد منظور این آیه چه کسی است؟) او قبل از هجرت پیامبر(ص) به مدینه قرار بود به عنوان رئیس مدینه تاجگذاری کند ولی با هجرت پیامبر(ص) برنامه او به هم خورد. و از روی اجبار، مسلمان شد. وقتی عبدالله بن ابی مریض شد و در بستر مرگ افتاد، پسرش نزد پیامبر(ص) آمد و از ایشان خواهش کرد که به عیادت پدرش برود. (ببینید پسر آن منافق چه برداشتی از بزرگواری پیامبر(ص) داشت که به خودش اجازه داد چنین درخواستی از حضرت داشته باشد) پیامبر(ص) نیز پذیرفت و به عیادت او رفت. یکی از مهاجرین که از قبل با عبدالله بن ابی، مشکل داشت و در مسیر جنگ تبوک بین او و عبدالله بن ابی دعوا و مشاجره‌ای پیش آمده بود، به پیامبر(ص) گفت: شما نباید به عیادت او بروید، او منافق است! پیامبر(ص) فرمود: خداوند نهی نکرده است به عیادت او بروم.

• وقتی پیامبر(ص) به عیادت او رفت، پسرش به حضرت گفت: «برای پدر من استغفار کنید» پیامبر(ص) برای او استغفار کرد. در این میان، باز همان کسی که از قبل با عبدالله بن ابی، دعوا داشت، به پیامبر(ص) اعتراض کرد که: مگر قرآن نفرموده برای منافقین استغفار نکنید؟ پیامبر(ص) به او فرمود: قرآن نفرموده استغفار نکن، بلکه فرموده اگر استغفار کنی، خدا آنها را نمی‌بخشد. بعد از اینکه عبدالله بن ابی، از دنیا رفت، پسرش از پیامبر(ص) خواست که بر جنازه پدرش نماز بخواند و رسول خدا(ص) باز هم از بزرگواری کرد و پذیرفت و بر جنازه او نماز خواند؛ البته پیامبر(ص) ذکر نماز میت را زیر لب خواند. آن شخص معترض، دوباره به شدت اعتراض کرد و حتی به پیامبر(ص) بی‌احترامی کرد که چرا برای یک منافق دعا کردی؟! پیامبر(ص) به او فرمود: تو که نشنیدی من چه داعی برای او خواندم! من آن داعی را که باید بگویم گفتم. (مَرَضَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي وَ كَانَ ابْنُهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ... فَقَالَ النَّبِيُّ أَلَمْ يَنْهَكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَوْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَأَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ وَيَلَكَ إِنِّي خَيْرْتُ فَأَخْرَجْتُ إِنْ اللَّهُ يَقُولُ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ... فَلَمَّا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ جَاءَ ابْنُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص... فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ أَنْ تَقُومَ عَلَى قَبْرِهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَيَلَكَ وَ هَلْ تَدْرِي مَا قُلْتَ إِنَّمَا قُلْتَ اللَّهُمَّ احْشُ قَبْرَهُ نَارًا وَ جَوْفَهُ نَارًا وَ أَصْلِهِ النَّارَ: تفسير قمی/ج ۱/ص ۳۰۲) و (امام صادق(ع): لَمَّا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بْنِ سُلَيْمٍ حَضَرَ النَّبِيُّ ص جَنَازَتَهُ فَقَالَ عَمْرٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ تَمْ يَنْهَكَ اللَّهُ أَنْ تُقُومَ

عَلَى قَبْرِهِ فَسَكَتَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَمْ يُنْهَكِ اللَّهُ أَنْ تَقُومَ عَلَى قَبْرِهِ فَقَالَ لَهُ وَيْلَكَ وَ مَا يُدْرِيكَ مَا قُلْتُ إِنِّي قُلْتُ اللَّهُمَّ احْشُ جَوْفَهُ نَارًا وَ أُمَّتًا قَبْرُهُ نَارًا وَ أَصْلِيهِ نَارًا! كافي/ج ۳/ص ۱۸۸

معلوم است که از این همه بزرگواری دین چه سو، استفاده‌هایی می‌شود انجام داد

- این رفتار پیامبر(ص) با یک منافق مشهور نشان می‌دهد «چقدر بزرگواری در دین هست!» پس با این حساب معلوم است که از این همه بزرگواری دین چه سوء استفاده‌هایی می‌شود انجام داد!
- آسیب‌های حرکت جهان به سوی معنویت و دیانت و اسلام را ببینید؛ اینها تازه نقاط آغازین آن است که در قالب یک داستان تاریخی بیان کردیم. با این حساب، شما انتظار دارید بعد از پیامبر گرامی اسلام(ص) در خانه حضرت زهرا(س) سالم بماند؟!

قدرت دین دروغین بود که توانست امام حسین(ع) را به شهادت برساند

- ارتباط این بحث‌ها با کربلا و عاشورا چیست؟ اگر اسلام در آن جامعه نبود و اگر قدرت دین نبود که به مردم بگوید باید از خلیفه مسلمین اطاعت کنید، آیا کسی مثل یزید که یک جوان عیاش بود، هیچ‌وقت می‌توانست به خلافت برسد؟! برای یک مملکت اسلامی با آن وسعت که یک سرش سمرقند و بخارا بود و یک سرش شمال آفریقا و جنوب اروپا بود و یک سرش یمن بود، آیا یک جوان نالایق مثل یزید می‌توانست رییس شود؟
- چطور شد که فردی مثل یزید توانست رییس آن جامعه بزرگ شود؟ به این صورت که آمدند یک دستکاری در دین انجام دادند و از جمله گفتند: هر چیزی بشود یعنی خدا خواسته است، پس یزید هم که الان خلیفه شده است، حتماً خدا خواسته که خلیفه شود و لذا اگر چه یزید شایستگی نداشته باشد، اما اطاعت یزید اطاعت از خداست؛ پس می‌شود به خاطرش حسینی که از یزید اطاعت نمی‌کند را هم کُشت.
- البته این دینی بود که سال‌ها معاویه رویش کار کرده بود نه اینکه یک‌شبه درست شده باشد. امام حسین(ع) را ظلم به شهادت نرساند؛ دین دروغین بود که ایشان را به شهادت رساند؛ قدرت دین دروغین بود که امام حسین(ع) را به شهادت رساند. اگر مردم را بسیج نمی‌کردند و توده مردم را برای قتل امام حسین(ع) هیچانی نمی‌کردند که این مردم حتی از جیب خودشان پول بگذارند و «قره الی الله» به جنگ امام حسین(ع) بروند، هرگز نمی‌توانستند از پس امام حسین(ع) بر بیایند. و این را با کمک دین قلابی‌ای که درست شده بود، انجام دادند.

اگر از قدرت دین سوء استفاده شود حتی می‌شود با آن حسین(ع) را به شهادت رساند/ ممکن است قدرت دین نجات‌بخش به دست زنگی مست بیفتد

- آیا رومیان و کافران بودند که امام حسین(ع) را به شهادت رساندند یا همان مردم جامعه دینی بودند که این کار را کردند؟ یکی از آسیب‌های رشد معنویت در تاریخ موجب قتل اباعبدالله الحسین(ع) شد. دین قدرت دارد و اگر از این قدرت سوء استفاده شود، حتی می‌شود با آن حسین(ع) را به شهادت رساند.
- این دین نجات‌بخش ممکن است قدرت‌ش به دست زنگی مست بیفتد؛ زنگی مستی مثل یزید که بعد از شهادت امام حسین(ع) گفت: «بنی‌هاشم با پادشاهی بازی کردند و الا اصلاً وحی نازل نشده است! لَعَيْتُ هَاشِمٍ بِالْمَلِكِ فَلَا خَبْرَ جَاءَ وَ لَا وَحْيُ نَزَلَ» (احتجاج/۲/۳۰۷)

- امام حسین(ع) را چه کسی کُشت؟ سوء استفاده از قدرت دین بود که باعث شهادت حسین(ع) شد. ایشان در واقع توسط یکی از زیرمجموعه‌های آسیب‌های توسعه و رشد معنویت کشته شد. حالا به نظر شما باید معنویت را کلاً کنار بگذاریم؟! اینکه راه حل مندرس روشنفکرهای غربزده است! و اساساً راه حل غلطی است. راه درست این است که باید جلوی آسیب‌های معنویت را بگیریم نه اینکه آن را کلاً کنار بگذاریم. خودمان هم باید به این آسیب‌ها اعتراف کنیم. جلوی فسادی که عاملش سوءاستفاده از دین است را هم باید از این راه بگیریم. جلوی فساد قدرت در جامعه دینی را هم باید از همین راه گرفت تا از دین سوء استفاده نشود.

ببینید وقتی دین پیامبر(ص) به دست امثال یزید بیفتد، چه کارهایی با آن انجام می‌دهند!

- بعد از اینکه سربازان یزید به مدینه حمله کردند و مردم آنجا را قتل عام کردند- در واقعه حرّه- و اعلام شد که سه روز و سه شب مال و جان و ناموس مردم مدینه به سربازان یزید، حلال است(شبیبه همین رفتاری که تکفیری‌ها با مردم شهرهای تصرف‌شده انجام می‌دهند) تازه معلوم شد امام حسین(ع) با چه کسی جنگیده بود.
- جالب اینجاست که وقتی فرمانده سپاه غارت‌کنندگان مدینه به حالت احتضار افتاده بود در آخرین وصیتش می‌گوید: «خدا! روز قیامت باید مرا عفو کنی! و گناهان مرا ببخشی! به دلیل اینکه من یک عمل در پرونده خودم دارم که این عمل عزیزترین عملی است که روز قیامت مرا شفاعت خواهد کرد. من به خاطر تو مدینه را با خاک یکسان کردم. چون به دستور امیرالمؤمنین یزید بوده است! من این عمل را شفیع قیامت خودم قرار می‌دهم که به خاطر آن بقیه گناهان مرا ببخشی!» (قَالَ الْمَدَائِنِيُّ: نَزَلَ الْمَوْتُ بِمُسْلِمٍ، فَقَالَ حِينَ اخْتَضَرَ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لِمَ أَشَاقَّ خَلِيفَةً وَ لِمَ أَفَارِقُ جَمَاعَةً وَ لِمَ أَعِشُ إِمَاماً سِرّاً وَ لَا عَلَانِيَةً، وَ لِمَ أَعْمَلُ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ عَمَلًا أَحَبَّ إِلَيَّ وَ لَا أَرْجِي عُنْدِي مِنْ قَتْلِ أَهْلِ الْحَرَّةِ، فَاعْفُ لِي ذُنُوبِي؛ انساب الاشراف/۵/۳۳۸) یعنی او می‌خواهد به خاطر آن جنایت بزرگ، بقیه گناهانش عفو شود. چرا؟ چون این کار را به دستور امیرالمؤمنین یزید انجام داده است! ببینید وقتی دین پیامبر(ص) به دست این افراد بیفتد، چه کارهایی با آن انجام می‌دهند!

